



You Boys Play Games Very Well

شما پسر ها خیلی خوب بازی می کنید

مترجم: Merya

سایت: myanim.es.ir

تلگرام: @myanim.es



شما پسرها خیلی خوب بازی می کنید

قسمت اول

"افسانه کهکشان ۱" بازی آنلاینی بود که شهرتی جهانی داشت. این بازی استراتژیک شامل مبارزات فردی و گروهی می شد و از زمان عرصه بین جوان ها بسیار محبوب شده بود.

بعد از تبلیغات موفق این بازی، پردیس دانشگاه یانشان به سرعت جز مشتاقان بازی "افسانه کهکشان" قرار گرفت، به طوری که بازیکنانش تقریباً با بازی سابقاً محبوب "روح رنگ پریده آل ۲" برابری می کرد.

لینگ منگ^۳ به عنوان یک سال دومی، معتاد اینترنت و این بازی شده بود. او با عملکرد عالی در بازی و سبک شخصی فوق العاده اش موفق شده بود به انتهای لیست سلبریتی های کهکشان راه پیدا کند. متأسفانه دلیلش برای مشهور شدن به عملکرد عالی بازی اش هیچ ربطی نداشت.



^۱Legend of The Galaxy : یه بازی آنلاین که نویسنده از روی استارکرفت اون رو نوشته.

^۲Pale Soul OL : یه بازی نسبتاً مشهور در چین

^۳Ling Meng

وقتی بازیکن‌ها در انجمن‌های بازی درمورد لیست سلبریتی‌های کهکشان بحث می‌کردند، نظراتی درمورد لمون^۱ هم نوشته می‌شد، مانند:

- لمون خیلی وقته توی رده ستاره الماس مونده و نتونسته به رده خدای کیهانی برسه، اصلاً بازی بلد نیست! فقط بخاطر زبون زهرآلودشه که معروفه. از وقتی تست بتای بازی عمومی شده تا الان هر بازیکنی که ازش شکست خورده بلااستثنا یه پیام "مراقبت‌های پزشکی نوانخانه لمون ددی" گرفته.

- معروفه که میگن "پیروزی واسه کسایه که پشتکار دارن"^۲ لمون همیشه بازنده‌ها رو مسخره می‌کنه، پس بیشتر بازیکنای کهکشان دوست دارن ازش متنفر باشن و واسه همینه که کلپ "متنفران" لمون ددی راه افتاده. بعضیا اینقدر دوست دارن که اون پیام مرگ رو بگیرن که تلاش می‌کنن برن ازش شکست بخورن.

خود لینگ منگ نظر خاصی درمورد نظرات مربوط به زبان زهرآلودش نمی‌داد. با اینکه توی دلش عاشق این نفرتی که بهش اظهار می‌کردند، بود ولی وانمود می‌کرد که از گروه متنفرانی که بازیکنان دیگر ساخته‌اند دل خوشی ندارد. یکی از لذت‌هایش کنار بازی کردن دیدن گروه

^۱ Lemon: منگ توی چینی به معنی لیمو هست! پس با اسم خودش آیدی درست کرده.

^۲ جمله معروفی از ناپلئون بناپارت



"دوستان و طرفدرانی" بود که از نقل قول های زهرآلود و سمی اش برای تحقیر یکدیگر استفاده می کنند.

امروز هم مانند همیشه لینگ منگ و زبان زهرآلودش جلودار میدان جنگ "افسانه کهکشان" بودند.



شما پسرها خیلی خوب بازی می کنید

قسمت دوم

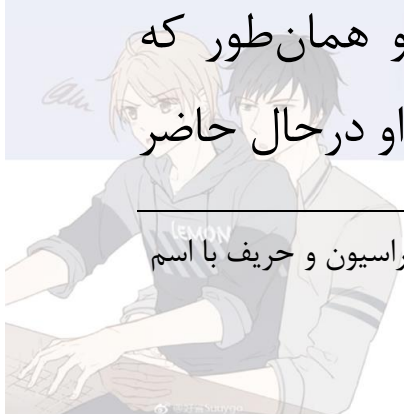
[سیستم] پس از نبردی سخت، فدراسیون به پیروزی نهایی دست یافت!^۱
[فدراسیون] لمون: منظره‌ی با شکوه من، ددی بزرگوار، تکیه گاه
ارجمند و گران مرتبه رو به خاطر بسپار که توی مسیر پیش روت تو رو
به جلو هدایت می کنه.

[امپراتوری] مهمان: هاهها! غارت با موفقیت انجام شد، اسکرین شاتم
رو گرفتم! (مراقبت‌های پزشکی نوانخانه لمون ددی)

همین که هم‌اتاقی اش برای خواب به اتاق آمد این پیام روی صفحه
ظاهر شد. هم‌اتاقی که لینگ منگ را خیلی خوب می‌شناخت هرچقدر
هم که سعی می‌کرد نمی‌توانست این طرز رفتار او و دیگران را درک کند.
«فقط حریف توعه که می‌تونه از باختن یه مسابقه خوشحال بشه.»

لینگ منگ این حرف را به عنوان تعریف تلقی کرد و همان‌طور که
پاهایش را تکان می‌داد خود را وارد صف نبرد بعدی کرد. او در حال حاضر

^۱ توی این بازی دو جناح فدراسیون و امپراتوری علیه یکدیگر می‌جنگند. اینجا لمون فدراسیون و حریف با اسم
کاربری مهمان امپراتوری شده



چالش نبردهای روزانه که به صورت مبارزات تک به تک برگزار می‌شد را بازی می‌کرد. در صورتی بازیکن پاداش این چالش روزانه را می‌گرفت که سه نبرد متوالی را برنده شود.

هشدار "دینگ" به صدا درآمد. لینگ مَنگ وارد نبرد تک نفره شد و با آی دی تحسین برانگیز "مَنگوستین" روبه‌رو شد.^۱

هم اتاقیش که هنوز به کامپیوتر لینگ مَنگ نگاه می‌کرد هیجان زده شد و گفت: «شانسی با "خدای مَنگ" افتادی؟ امکان نداره، چطوری با اون افتادی؟»

به دلیل شهرت فوق العاده این بازیکن، طرفدارانش مَنگوستین را به اسم خدای مَنگ صدا می‌کردند. او یک مجری و بازیکن رده اس در لایو پلتفرم گربه جنگجو بود.^۲ او با مهارت‌های بازی خارق‌العاده‌ای زیادی را به زانو در می‌آورد و با صدای زیبا و جادویش زنان زیادی را به دام می‌انداخت. او پادشاه واقعی محبوبیت در لیست سلبریتی‌های بازی کهکشان بود.

^۱ مَنگوستین یه میوه با پوست تیره و مغز سفیده. آی دی لینگ مَنگ، لمون یا همون لیموست و حالا این آی دی تحسین برانگیز واسه یه نفر دیگست که اونم اسم میوه رو برای خودش انتخاب کرده.

^۲ یه پلتفرم تخیلی که نویسنده ساخته و توی اون مَنگوستین به صورت لایو بازی میکنه و طرفدارانش تماشاش میکنند.



"افسانه کهکشان" فقط ۵۰۰ بازیکن با رده بالا رتبه خدای کیهانی داشت و پس از آن رده ستاره الماس که لیگ مگ در آن درجا می‌زد، قرار داشت. بازیکنانی خوبی که در رده‌های ستاره الماسی تا خدای کیهانی بودند یه عنوان "خدایان" شناخته می‌شدند. لینگ مگ در بالاترین سطح ستاره الماس قرار داشت. اگر سه بازی از پنج بازی را برنده می‌شد می‌توانست به رده خدای کیهانی برسد اما اگر به این سطح می‌رفت احتمالا چند بازی بعد از حریفان قوی شکست می‌خورد. اما برخلاف لینگ مگ، خدای مگ در لیست بهترین های کشور قرار داشت بنابراین روی کاغذ بعید بود که این دو نفر شانس در یک مبارزه قرار بگیرند.

لینگ منگ مانند همستری که دهانش پر از آجیل باشد لپ هایش را باد کرد و گفت: «کی می‌دونه؟ شاید این فصل زیاد بازی نکرده و حالا به رده‌های پایینتر متصل شده.» هم اتاقیش همیشه فکر می‌کرد لینگ منگ مناسب لایو بازی کردن است و باید بازی‌هایش را زنده پخش کند، چرا که وقتی بازی می‌کرد واکنش‌های زیادی نشان می‌داد که مجموعه کاملی از تمام ادا اصول‌ها می‌شد.

لینگ منگ این بار شانشی عضو جناح امپراطوری شده بود و با فدراسیون (خدای منگ) می‌جنگید. هرازگاهی ناوگان یا تعدادی سفینه را برای



حملات پی‌درپی می‌فرستاد. خدای منگ – که خداوکیلی لایق اسمش بود- تمام تکنیک های لینگ منگ را مثل کف دستش می‌شناخت. خیلی زود و سریع از پوشش محافظتی‌اش خارجش کرد و نیروهای لینگ منگ را بیرون از ایستگاه فضایی گیر انداخت. همچنین نیروهای رادارگریزی را فرستاد تا به نیروهای معدن کاوی لینگ منگ حمله کنند. منابع لینگ منگ قطع شد و سرعت ارتقایش کاهش یافت. آخرین تلاش ناچیزش را از روی ناامیدی انجام داد و تمام کارت هایش را رو کرد اما سفینه اصلی حریفش دقیقا در همان جا انتظارش را می‌کشید تا پشت کروسانتش^۱ را منفجر کند.

این نبرد یک طرفه و تحقیرآمیز لمون توسط خدای منگ به پایان رسید. وقتی پیام شکست روی صفحه سیاه و سفید ظاهر شد، هم اتاقی اش که تمام بازی را تماشا کرده بود، نتوانست جلوی نشان دادن خوشحالی‌اش از بدبختی لینگ منگ را بگیرد و گفت: «هاها، حالا نشونم بده این دفعه چجوری می‌خوای گری بخونی؟ فکر کنم دیگه لقب "لمون ددیت" در امون نباشه.»



^۱Chrysanthemum: به معنی گل داوودیه ولی اسم یه نوع سفینه توی بازی است. این کلمه توی چینی

معنی دوپهلویی داره واسه همین فعلا ترجمه‌ش نکردم ☺

لینگ منگ اهمیتی نمی‌داد: «مشکلش چیه؟ حریفم یه بازیکن رده بالای خیلی ماهره. من یه آدم بی‌اهمیت و اصلاً قرار نیست وجهمو از دست بدم که به همچین کسی باختم.»

«مطمئنی بی‌اهمیتی؟»

«البته! من می‌دونم که اون خدای منگه ولی مطمئنم اون اصلاً نمی‌دونه من کی هستم.»

سیستم اعلامیه داد.

[سیستم] پس از نبردی سخت، فدراسیون به پیروزی نهایی دست یافت. طبق معمول لینگ منگ دکمه اینتر را زد تا وارد چت با حریفش شود. [امپراتوری] لمون: شما پسرها خیلی خوب بازی می‌کنید ~

یک بار دیگر هم اتاقیش به خاطر چهره و حالت بی‌حیای منگ شوکه شد: «چه کوفتی داری میگی؟ باورم نمیشه آدمای پررویی مثل تو هم توی این دنیا وجود دارن!»

«همونطور که گفتم، امکان نداره خدای منگ آی دی کوچولو من رو یادش مونده باشه.»



تازه حرف لینگ منگ تمام شده بود که در خوابگاه با صدای بلندی باز شد. دانش آموز اتاق روبه‌رویی که از خنده تلوتلو می‌خورد و نفس نفس می‌زد به در اتاق آنها تکیه داد.

لینگ منگ با لحن بدی پرسید: «وسط یه فیلم خنده‌واگیردار^۱ هستی؟» همکلاسی‌اش با مشت بهش اشاره کرد و با خنده گفت: «شما پسرها خیلی خوب بازی می‌کنید ~»

لینگ منگ زبانش بند آمد.

«هنوز نفهمیدی؟ خدای منگ داشت لایو بازی می‌کرد!»

لینگ منگ خشکش زد. بعد از چند ثانیه با ناله، به اتاق رو به رویی دوید. کامپیوتر همکلاسیش لایو خدای منگ را نشان می‌داد. تعداد کسانی که لایو را نگاه می‌کردند پنج رقمی بودند و نزدیک بود به شش رقم برسند.

بازی تازه تمام شده بود. تصویر کامپیوتر افراد مختلف را نشان می‌داد که مدام یک جمله را تکرار می‌کردند:

«شما پسرها خیلی خوب بازی می‌کنید ~»



^۱ یه چالش که میرن جاهای دیگه الکی می‌خندن تا بقیه هم خندشون بگیره و فیلم میگیرن.

«شما پسرها خیلی خوب بازی می کنید ~»

«شما پسرها خیلی خوب بازی می کنید ~»

«شما پسرها خیلی خوب بازی می کنید ~»

در این لحظه، لینگ مگ قطعا فکریایی خوبی درمورد این مرتیکه
خدای مگ نداشت. چه دلیلی داره که یه بازیکن رده خدای کیهانی
بازی تک به تکش با یه بازیکن رده ستاره الماس رو لایو پخش کنه؟

~~~~~ (´□´)

